

اشاد کتابت تاريخ



رساله‌ای که از نظر خوانندگان گرامی میگذرد
عین گزارشی است که مرحوم میرزا سیدجعفر خان
مشیرالدوله مهندس باشی از مرزهای غربی ایران تهیه
کرده است. این گزارش در اصل در دو نسخه نوشته
شده که يك نسخه آن در آرشیو بایگانی وزارت امور
خارجه ایران و دیگر نسخه آن نزد آقای محمد مشیری
میباشد.

بررسی های تاریخی

در این شماره :

اصل و رو نوشت « رساله تحقیقات سرحدیه ».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقاله جالب و مستندی که تحت عنوان «رسالة تحقیقات سرحدیه» از نظر خوانندگان خواهد گذشت قسمتهائی از عین گزارش مرحوم میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله مهندس باشی^۱ است که برای تعیین خطوط سرحدی بین ایران و عثمانی مأمور بوده و از ربیع الاول ۱۲۵۶ هجری قمری (مطابق با ۱۲۲۰ شمسی) تا آخر شعبان سال ۱۲۷۱ (مطابق با ۱۲۳۴ شمسی) از قلعه آرات تا مصب شط العرب را قدم بقدم طی کرده و شرح این مأموریت و کلیه مسائل و سوابق

۱- میرزا سید جعفر حسینی تبریزی (اصلاً از فراهان و نوه عموی میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی است) ملقب به مشیرالدوله یکی از رجالی است که از اواسط عهد فتحعلیشاه تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه دارای مشاغل مهم دولتی بوده، و جزو پنج نفر اولین مجصلینی است که بدستور عباس میرزا نایب السلطنه در سال ۱۲۳۰ قمری برای فرا گرفتن علوم جدید بانگلستان رفته و در اوایل سال ۱۲۳۵ پس از فراغت از تحصیل به تبریز برگشته و قریب سه سال و نیم به آموزش علوم هندسه و صنایع مربوط بنظام و قلمه سازی و توپخانه مشغول بوده و در سال ۱۲۵۲ هجری قمری در سال سوم سلطنت معتمدشاه قاجار بالقب خان و مشیرالدوله ملقب و بمنوان سفارت مأمور دربار عثمانی گردید و تا اواخر سال ۱۲۵۹ این سمت را داشت. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه مأمور تجدید حدود غربی شد و مدت چند سال این مأموریت ادامه داشت. پس از عزل میرزا آقاخان صدراعظم نوری از صدارت بریاست شورای دولتی منصوب و در غره صفر ۱۲۷۸ یادار بودن همین سمت بمنوان سفارت فوق العاده مأمور دربار انگلستان شد و پس از مراجعت باحفظ ریاست دارالشورای دولتی متولی باشی آستان قدس رضوی گردید و در سال ۱۲۷۹ در همانجا وفات یافت و در دارالحفاظ مدفون گردید.

مربوطه به این سرحدرا با دقت و توجه خاصی در گزارش خود که بنام «رسالة تحقیقات سرحدیه» نامیده، مدون کرده است و این رساله بنظر مرحوم «استاد عباس اقبال»^۱ یکی از بهترین آثاری است که از مأمورین وزارت خارجه ایران باقی مانده است، که متأسفانه تاکنون اقدامی بچاپ در باره آن نشده و مجله بررسی های تاریخی برای اولین مرتبه بچاپ آن اقدام میکند.

مرزهای ایران و عراق

تا قبل از جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) کشور ایران در مرز غربی فقط با مملکت عثمانی همجوار بود و پس از پایان جنگ و تجزیه متصرفات عثمانی و تشکیل دولت های جدید عراق و ترکیه ایران با کشورهای نامبرده هم مرز گردید. مرز کنونی ایران با عراق با استثنای اصلاحی که ضمن عهدنامه ایران و عراق (۱۳ تیر ماه ۱۳۱۶ شمسی) بعمل آمده عیناً مطابق تحدید حدود ایران و عثمانی است، علیهذا برای اطلاع و آگاهی بیشتر باید قبلاً سابقه تاریخی مرزهای ایران و عثمانی را بررسی نمود.

سوابق تاریخی مرزهای ایران و عثمانی

چنانکه از اسناد و نوشته های قدیم برمی آید، مناقشات حدودی میان دو دولت ایران و عثمانی از زمانهای پیش همواره باقی بود و هیچوقت خط سرحدی بین این دو دولت بطور قطع تعیین نگردیده و در محل، ترسیم و نصب علائم نشده بود (در زمان اعلیحضرت رضا شاه کبیر طبق قراردادهای متعدد اختلاف مرزهای بین ایران و ترکیه برطرف گردید). بطوریکه سفیر شاه عباس اول صفوی که برای مبادله عهد نامه باسلامبول رفته بود می نویسد: «در ترتیب

۱- شادروان عباس اقبال اصلا اهل آشتیان ادراک بود. در سال ۱۲۷۷ هجری شمسی متولد گشت. تحصیلات خود را در دارالفنون بی پایان رساند و در سال ۱۳۰۴ شمسی برای تکمیل تحصیلات بارویا رفت. مرحوم اقبال یکی از نمونه های عالی سعی و عمل و فعالیت بود. دوران تحصیل را با زندگی دشواری گذرانید. اقبال زبان فرانسه را خوب میدانست و در میان مستشرقین و فضلاء جهان مقامی عالی داشت. از مرحوم اقبال آثار مهم و زیادی باقی مانده است. در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۳۴ شمسی در مأموریت مستشار فرهنگی سفارت کبرای ایران در ایتالیا چشم از جهان پوشید.

حدود همان است که در زمان سابق بوده است. و بعد هم هر چه عهد نامه نوشته شده امر تعیین حدود را به عهد نامه سلطان مراد خان رابع و عهد نامه های سابق رجوع نموده اند و چون وجود عهد نامه ای که در زمان سلطان مراد خان رابع و شاه صفی ما بین دولتین منعقد شده و خط سرحدی را معین کرده باشد بکلی مشکوک است و از قرار معلوم فقط عهد نامه ای از سلطان مراد خان در تاریخ شوال ۱۰۴۹ (مطابق با ۱۰۱۹ شمسی) به شاه صفی بوده و نامه مزبور هم در نظر اولیای دولت ایران برای تسویه امر حدود سندیت نداشته است، از این رو اختلافات مرزی پیوسته میان دو دولت برقرار بوده و در عهد نامه ای هم که در تاریخ ۱۱۵۹ هجری قمری (مطابق با ۱۱۲۵ شمسی) میان نادر شاه با سلطان محمود خان اول بوسیله وکیل ایران حسنعلی خان و والی بغداد احمد پاشا مأمور عثمانی منعقد شده است از تعیین حدود بطور اجمال ذکر کرده است و تعیین حدود و خط سرحدی را رجوع به عهد نامه های قدیمه نموده است چنانکه می نویسد: «اساس مصالحه که در زمان سلطان مراد خان رابع واقع شده میان دولتین مرعی و حدود و سنوریکه در مصالحه مزبور معین شده بود بدون خلل و تغییر بهمان اعتبار باقی خواهد ماند.» و نیز در آن عهد نامه نوشته شده: «فصل منضمه - حدود و سنوریکه در عهد سلطان مراد خان بوده تعیین شود، حکام سرحد از حرکاتی که منافعی دوستی طرفین است احتراز جویند.»

همچنین در عهد نامه ای که بتاريخ ۱۹ ذی قعدة ۱۲۳۷ (۱۲۰۱ شمسی) میان فتحعلی شاه و سلطان محمود خان ثانی بتوسط میرزا علی وکیل و محمد رفوف پاشا عسکر مأمور عثمانی در ارزنة الروم بسته شده در باب تعیین حدود چنین ذکر شده: «بسم الله الرحمن الرحيم. عهد نامه ای که در تاریخ هزار و یکصد و پنجاه و نه در باب حدود و سنور قدیمه و نیز شرایطی که در باب حجاج و تجار ورد فراری و رهائی اسراء و اقامت شخصی معین در دربار طرفین انعقاد یافته است تماماً و کاملاً بین الدولتین مرعی و برقرار بوده و بارکان آن و جهاً من الوجوه خللی عارض نشده و ما بین دولتین علیتین شرایط دوستی و مقتضای الفت و محبت همیشه معمول بوده باشد، الخ ...»

بعد از عهد نامه اخیر تا اواخر سلطنت محمد شاه گفتگوی مهمی در امر حدود

فیما بین دولتین بظهور نرسید تا در سال ۱۲۵۳ هجری قمری (مطابق با ۱۲۱۷ شمسی) موقعی که دولت ایران در محاصره هرات و تسخیر آنجاسر گرم بود، بواسطه غارت محمره^۱ بدست علیرضا پاشا (۲۳ رجب ۱۲۵۴ هجری قمری - ۱۲۱۸ شمسی) و ادعای مشارالیه به ملکیت آنجا بدولت عثمانی، گفتگوی سرحدی ما بین دولتین با کمال شدت شروع گردید نزدیک بود کار بسختی منجر شود، دولتین روس و انگلیس دخالت در گفتگوی فیما بین نموده قرار گذاردند کمیونی مرکب از ما مورین ایران و عثمانی و روس و انگلیس در ارزنة الروم^۲ منعقد شده دعاوی دولتین و ادعای پنج کرور خسارتی که دولت ایران از بابت محمره مطالبه مینمود تسویه نمایند. دولت ایران برای ریاست هیئت نمایندگان ایرانی در انجمن ارزنة - الروم میرزا سید جعفر خان مشیرالدوله سفیر کبیر را که در این تاریخ در طهران بود معین نمود. مشیرالدوله از طهران عازم تبریز گردید ولی چون به آن شهر رسید بستر بیماری افتاد و بیماری او طولانی شد. چون دولت ایران بحمل اختلافات علاقه شدید و عجله بسیار داشت لذا میرزا تقی خان فراهانی را که در آن تاریخ در آذربایجان وزیر نظام^۳ بود بجای مشیرالدوله به سمت ریاست هیئت نمایندگان ایران انتخاب و اعزام نمود. از طرف دولت عثمانی انور افندی تعیین گردید.

در سال ۱۲۵۹ هجری قمری (مطابق با ۱۲۲۲ شمسی) ما مورین دولت های چهارگانه که مرکب بودند از نمایندگان فوق الذکر ایران و عثمانی و نمایندگان دولت انگلیس کلنل ویلیامز Colonel Williams و مازور فرانت Major Ferrant و ربرت کرزن Hon. Robert Cerzon و نماینده دولت روس کلنل دنس Colonel Dainese در ارزنة الروم اجتماع نمودند و مذاکرات این کمیسیون در هیجده جلسه و متجاوز از سه سال طول کشید و موافقتی در تعیین حدود میان ما مورین ایران و عثمانی حاصل نشد و عاقبت مقرر گردید عهد-

۱- محمره نام قبلی خر مشهر امروزی است.

۲- ارزنة الروم را امروز ارض الروم نامند و در ترکیه واقع است.

۳- لقب اولیه میرزا تقی خان امیر کبیر است. برای دانستن شرح حال وی بکتاب میرزا تقی خان امیر کبیر تألیف مرحوم عباس اقبال چاپ دانشگاه طهران مراجعه شود.

نامه جدیدی منعقد شده مدار معاملات دولتی بایکدیگر بر طبق مدلول آن عهدنامه باشد. این بود که بعد از مذاکرات طولانی در تاریخ ۱۶ جمادی الثانیه ۱۲۶۳ هجری قمری (مطابق با ۱۲۲۶ شمسی) فقرات نه گانه دومین عهدنامه ارزنة الروم که ذیلادرج می شود مابین محمدشاه و سلطان عبدالحمید توسط میرزاتقی خان وزیر نظام و انورافندی منعقد گردید :

فقره اول

دولتین اسلام قرار میدهند که مطلوبات نقدیه طرفین را که تا بحال از یکدیگر ادعا می کردند کلیتاً ترك کنند و لکن با این قرار بمقاولات تسویه مطلوبات مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی نیاید .

فقره دوم

دولت ایران تعهد می کند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آنرا بدولت عثمانی واگذار کند دولت عثمانی هم متعهد می شوند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره کردند بدولت ایران ترك کنند و دولت ایران قویاً تعهد میکنند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده بحق تملکی که دولت عثمانیه در ولایت مذکوره دارد وقتاً من الاوقات یکطور دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانیه نیز تعهد میکنند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضراء و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است بمملکت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهد داشت که کشتیهای ایران با آزادی تمام از محلی که ببجر نصب می شود تا موقع التحاق حدود طرفین در بحر مذکور آمدورفت نمایند .

فقره سیم

طرفین متعهدین تعهد میکنند که با این معاهده حاضره سایر ادعاهایشان را در حق اراضی ترك کرده از دو جانب بلا تأخیر مهندسین و مأمورین رامعین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند .

فقرة چهارم

طرفین قرار دادند خساراتی که بعد از قبول اخطارات دوستانه دودولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی الاولی ۱۲۶۱ (۱۲۲۴ شمسی) تبلیغ و تحریر شده بطرفین واقع شده وهم رسومات مراعی از سالی که تأخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت فصل واحقاق شود از دو جانب بلا تأخیر مأمورینی را تعیین نمایند .

فقرة پنجم

دولت عثمانی وعده میکند که فراریهای ایران در «برساء» اقامت داده شود وغیبت آنها از محل مذکور ومراوده متخفیه آنها را بایران رخصت ندهد و از طرف دولتین علیتین تعهد می شود که سایر فراریها بموجب معاهده سابق ارزنة الروم عموماً رد شوند .

فقرة ششم

تجار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه وجاریه اموال مذکوره نقداً یا جنساً بوجهی که در عهدنامه منعقد در ارزنة الروم در سنه ۱۲۳۸ در ماده ششم که دائر بتجارت است مسطور شده زیاده وجهی مطالبه نشود .

فقرة هفتم

دولت عثمانی وعده میکند که بموجب عهدنامه های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند بکمال امنیت محل مبار که را که کاین در ممالک عثمانی است زیارت کنند وهمچنین تعهد می کنند که بمراد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فیما بین دودولت اسلام وتبعه طرفین برقرار باشد مناسبترین وسائل را استحصال نماید تا چنانچه زوار ایرانی در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات مذکوره بهره ور بوده خواه در تجارت و خواه در مواد سیره از هر نوع ظلم وتعدی

و بیحرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزهایی^۱ که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانیه به جمیع ممالک عثمانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه قبول می نماید و وعده می کند که کافه امتیازاتی که شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای مذکور باشد و در حق قنسولهای سایر دول مستحابه جاری می شود در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران تعهد می کند که بالیوزهایی که از طرف دولت عثمانیه، بجمیع محلهای ایرانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبعه و تجار دولت عثمانیه که بممالک ایران آمد و شد می کنند معامله متقابل را کاملاً اجری دارد.

فقره هشتم

دولتین علیتین اسلام تعهد می کنند که برای آرامش و امنیت تدابیر لازمه اتخاذ و اجرا کنند و بهمین خصوص در محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین تعهد می کنند که از عهده هر نوع حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع بیاید بر آیند و قرار داده اند عشایری که متنازع فیه می باشند و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلی که بعد از این دائماً اقامت خواهند کرد یکدفعه باراده اختیار خودشان حواله شود و عشایری که تبعیت آنها معلوم است جبراً باراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند.

فقره نهم

جمیع مواد فصول معاهدات سابقه، خصوص معاهده ای که در سنه ۱۲۳۸ (مطابق ۱۲۰۲ شمسی) در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه با این معاهده حاضر الغاء و تغییر نشده مثل اینکه کلمه به کلمه در این صفحه مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقاء شده است و فیما بین دو دولت علیه قرار داده شده است که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدتی از جانب دولتین قبول و

۱- بالیوز نمایند. محلی که از طرف دولتها برای حل و فصل امور تجاری و حمایت اتباع خود تعیین می نمایند.

امضاء شده تصدیق نامه های آن مبادله خواهد شد و کان ذلک فی یوم سادس عشر من شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۶۳ (۱۲۲۶ شمسی) ، بطوریکه دیده میشود در عهد نامه امضاء شده بدو جب فقره نهم بایستی تصدیق نامه ها بعد از دو ماه از تاریخ امضاء مبادله شده باشد به همان علت ابهام و گنگی بعضی از مواد آن که ظاهراً نمایندگان عثمانی به عید آنها را در متن معاهده به آن شکل داخل کرده و به همین علت هم قبل از مبادله تصدیق نامه ها از پیش خود چهار فقره سؤال ترتیب داده و از سفرای انگلیس و روس جواب هائی به نفع خود حاصل نموده بودند و ادعا داشتند که آن توضیحات و تفسیرات هم ضمیمه معاهده باشد، کار مبادله تصدیق نامه ها بتعویق افتاد تا آنکه میرزا محمد علیخان شیرازی^۱ سفیر ایران در پاریس به شرحی که در گزارش مشیرالدوله ملاحظه می شود ندانسته یا بزور بدون اجازه دولت ایران به صحت آن توضیحات مزبور را که همه به نفع دولت عثمانی و قبول آنها باعث زحمت کلی ایران در آینده بود امضاء داد و تصدیق نامه ها باین ترتیب در اوائل سال ۱۲۶۴ (۱۲۲۷ شمسی) اندکی قبل از فوت محمد شاه و برکنار شدن حاجی میرزا آقاسی^۲ از صدارت در استانبول مبادله گردید و قرار شد بموجب فقره سوم معاهده مهندسین و مأمورین دو دولت برای تعیین خطوط سرحدی از دو پایتخت حرکت کنند. هنوز مهندسین و مأمورین باین قصد حرکت ننکرده بودند که محمد شاه در تاریخ شب سه شنبه ششم شوال ۱۲۶۴

۱- میرزا محمد علیخان شیرازی خواهرزاده میرزا ابوالحسن خان ایلچی معروف است و او در سال ۱۲۶۳ از طرف محمد شاه به سفارت پاریس مأمور گردید و هشت ماه در آنجا بود. ورود او بتهران مقارن شد با فوت محمد شاه و جلوس ناصرالدین شاه. چون در همین ایام حاجی میرزا مسعود گرمودی وزیر دول خارجه فوت کرد امیر کبیر که خود این سمت را بعهده گرفت، میرزا محمد علیخان را بعنوان نایب اول وزارت خارجه در زیر دست خودش اختیار نمود. میرزا محمد علیخان در رمضان ۱۲۶۷ رسماً بوزارت خارجه منصوب گردید و تا ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۶۸ که فوت کرد در این مقام باقی بود.

۲- حاجی میرزا آقاسی آخوند ملا عباس بیات ایروانی پسر میرزا مسلم متخلص به فخری مراد و صدراعظم محمد شاه قاجار بوده که پس از شهادت میرزا ابوالقاسم قائم مقام بصدارت انتخاب شد و عمه شاه را بزوجیت خود برگزید. کشور ایران از وجود این مرد خسارات زیادی دید.

فوت کرد - دولت عثمانی به عجله تمام هیئت نمایندگی خود را بریاست
 دزویش پاشاروانه سرحد ایران نمود تا ظاهر آبه معیت سرهنگ ویلیامز نماینده
 سابق الذکر دولت انگلیس و سرهنگ چریکف Col. M. Schirikoff نماینده
 روسیه و میرزا جعفر خان مشیرالدوله به تعیین خطوط سرحدی مشغول شوند.
 مذاکرات میرزا جعفر خان مشیرالدوله با دزویش پاشا و نمایندگان انگلیس
 و روس و عملیات مأمورین و مهندسین در برداشتن نقشه و تعیین خطوط سرحدی از
 مصب شط العرب تا پای کوه آرات کوچک از اوائل سال ۱۲۶۵ (۱۲۲۸ شمسی) تا
 اواسط سال ۱۲۷۱ (۱۲۳۴ شمسی) بطول انجامید و بعلت اصرار عثمانی ها در خالی
 نکردن بلوک قطور و تمسک شدید ایشان به توضیحاتی که آنها را بتصویب وزرای
 مختار روس و انگلیس در اسلامبول و با مضای میرزا محمد علی خان شیرازی رسانیده
 بودند کار تعیین خطوط سرحدی و حل اختلافات بین دو دولت را با اشکال
 فراوان روبرو نموده بود.

ضمن ارائه عکس قسمتی از متن گزارش مرحوم مشیرالدوله برای اینکه
 بتوان از آنها استفاده نمود خط مزبور را با حروف معمولی در معرض استفاده
 خوانندگان محترم قرار میدهیم .

باید دانست که این گزارش علاوه بر اینکه حاوی شرح مذاکرات و دلائل
 حقانیت دولت ایران است راجع به سرحدات غربی و ایلات و عشایر ساکن در
 آن حدود اطلاعات بسیار نفیسی را متضمن است .

متن رساله سرحدیه

«الحمد لله الذی اسرى بعبده لیلآ من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی...
 (و پس از ذکر مقدمه در نعت خدا و رسول بشرح زیر مطلب را عنوان می نماید)
 این مختصر رساله ایست در تحقیقات سرحدیه که بنده در گاه جهان پناه
 جعفر حسینی ملقب به مشیرالدوله در ایامی که مأمورین ثلاثه عثمانیه و انگلیس
 و روس بحدود دولتین علیتین ایران و عثمانی مأمور بوده نظر باقتضای مأموریت

خودغوررسی کرده و متن واقع اوضاع سرحد مزبور و حق دولت علیه را بر حسب قرارنامه دولتین که آخرین معاهده طرفین است بانضمام خیال دولت عثمانی که از تقریرات و تحریرات و حرکات مأمورین دولت مشارالیها و سایر قرائن خارجه که صراحتاً یا حدساً استنباط شده است با برخی حالات و گزارشات لازمه الاختیار بخیال اینکه شاید عمر فدوی باتمام خدمت تحدید حدود و فانکند و اینگونه توضیحات لازمه علاوه بر روزنامه ها و مواد کتب رسل و رسائل سرحدیه و نقشه ترسیم شده است ضرورت بهم رسانیده بکار دین و دولت برآید جهت مزید استحضار اولیای دولت علیه قلمی می نماید .

« معلوم ارباب استحضار حالات سالفه است که از عهد نادر شاه مغفور تازمان تشریف داشتن شاه مغفور طاب ثراه در محاصره هرات و وقوع قتل و غارت محمره ملک این دولت بدست علیرضا پاشا والی سابق بغداد ابداً بخلاف اتحاد و یگانگی و مشاجره و گفتگوی سرحد دولتین علیتین اسلام در میان نبود ولیکن آن اوقات که بعلمت آزادی کمرب محمره و خوش سلوکی حاکم روز بروز کمربک بصره و آبادی آنجا مختل و این معنی برطبع منافق علیرضا پاشا ناموافق آمده منتزه فرصت می بود و بمقاد آیه کریمه « قل موتوا بغيظکم » رفتار می نمود ، غیبت پادشاه دین پناه را از مقر خلافت برای اجرای نیت باطل خود غنیمت و بهترین رسائل فرصت شمرده علی الغفله به استعداد زیاد به محمره هجوم آورد . حاکم آنجا با جمعی اعراب که همان ساعت دسترس بود حرکت مذبوحی کرده بمقابله اوشتافت و در پیش روی قشون دولتی که همراه علیرضا پاشا بود تاب مقاومت نیاورده روی برتافت ، اکثری از جمعیت او مقتول و قلیلی بشهر و اطراف فراری و در گوشه اختفاء و انزوا متواری گردیدند ، قشون عثمانیه بدون مانع و بلافاصله داخل شهر شده تمامی خانه ها و کاروانسرا و انبارها را که باموال تجار دولت علیه پر بود غارت و خیرگی بی نهایت کرده رجال آنجا را قتل و دستگیر و صبیان و نسوان آنها را اسیر و به بغداد مراجعت دادند . این خبر که در دور هرات بسمع امنای دولت جاوید ثبات رسید شکایت قامه شدید باولیای دولت عثمانیه نوشته بواسطه فدوی که آن ایام به عنوان

سفارت کبری در اسلامبول اقامت داشت مدعی ترضیه و خسارت گشتند فدوی نیز بعضی سفرای دول مستحابه را با خود شریک ساخته دوسه مجلس با وزیر دول خارجه و یک مجلس با صدراعظم آن دولت در این باب گفتگو و حقیقت دولت علیه را در ادعای خسارت و ترضیه مذکور به ایشان ثابت کرد. ایشان از راه فقره و مغلطه این مسئله را به میان آوردند که محمره منگ ماست از توابع بصره و بغداد محسوب و تعداد می شود، مابه رعیت و عاصیان خود تنبیه کرده ایم، حالا که دولت ایران ادعای ملکیت محمره را می نماید و به آن سبب خسارت و ترضیه می خواهد در این صورت دو فقره محل نزاع می شود: یکی حال، دیگری محل. اگر ثابت گردید که محل یعنی محمره و توابع ملک دولت ایران است آنوقت حال نیز تابع محل و ادعای دولت ایران حق و مسجل خواهد بود. لهذا باید اول تحقیق مسئله محل بعمل آمده پس از آن در حال گفتگو شود. بواسطه این نحو اشتباه کاری و جواب صواب نما سایر سفرا از تقویت فدوی تقاعد ورزیدند، تا اینکه سلطان محمد و مدفور وفات یافت قشون او که با ابراهیم پاشا جنگ داشتند شکست یافت و کپتان پاشا کشتیهای جنگی عثمانیه را بالتمام نزد محمد علی پاشا برده تسلیم او شد. فدوی وقت را مناسب دانسته به بهانه احضار چهار ماهه، چاپاری بدار الخلافه آمده مراتب را به حاجی میرزا آقاسی مرحوم حالی نمود. او در مقام تلافی به خیال تسخیر بغداد افتاده برای اجرای این مدعا شاه جنت آرامگاه مغفور را به بهانه سفر اصفهان حرکت داد. محمدخان مصلحت گذار مرحوم که همیشه تملق از دولت عثمانیه می کرد و خود را خیر خواه آن دولت به نظر می داد فرصت یافته به رجال دولت عثمانیه رسانید که فلانی در این حالت ضعف دولت عثمانیه به خیال تلافی قتل و غارت محمره از این جا بدون احضار اولیای دولت ایران چاپاری روانه شد که فرصت را فوت نکرده امنای دولت ایران را به انتقام مقدمه محمره و اداشت کند. اولیای دولت عثمانیه که حقیقتاً منتهای ضعف ایشان بود از این حرف محمدخان مضطرب شده به تمجیل تمام صارم افندی را به سفارت ایران مأمور و به اندک فاصله از فدوی روانه ساخته و باطناً بموجب

دستخط حضرت سلطان مجید مرخص نمودند که خسارت و قتل و غارت محمره را تا سیصد هزار تومان بگذرانند. سوء سلوک و عدم علم و احاطه حاجی مرحوم و نقصان تدبیر و کمال اغراق گوئی او که قدر خسارت را بدون سند و مدرک تا چهار پنج کروار ادعا و مذکور می نمود باعث رنجیدگی و قهر صارم افندی و موجب تضییع این همه حق دولت گردید، صارم افندی که زمام اختیار سلطنت را در دست آن چنان آدم تنگ ظرف دید برای ملاحظه صرفه دولت خود دستخط سلطان را بهیچوجه بروز نداد و به هیچ مطلبی از مطالب متعدد این دولت انجام نداده به اسلامبول مراجعت کرد و از آن روز تا حال به خلاف حق و برای دفع مایقال ادعای ملکیت محمره مألوف رجال دولت عثمانیه و معروف مکاتبه و مکالمه ایشان گردید، چنانکه در محل خود با براهینی متعدده و محکمه ثابت خواهد شد که محمره و توابع آن ملک طلق دولت علیه ایران است و هیچوقت دولت عثمانیه در آنجا ادعای ملکیت نکرده اند.

وقتی که حاجی مرحوم به خبظهای خود منتقل شد دولتین روس و انگلیس که هر دو باطناً حامی دولت عثمانیه بودند بخيال اینکه خود را بعنوان توسط دخیل اینکار و چاره جوئی برای این امر ناگوار نمایند حاجی مرحوم را که مجلس گفتگو برقرار و مطالب طرفین بواسطه و کلای ایشان در مجلس مزبور و حضور و کلای دولتین واسطین گفتگو و اظهار شده بتراضی طرفین قرار داده اصلاح ذات البین نمایند محل و کلای اربعه بلده ارزنة الروم و فدوی از طرف دولت علیه با اختیار تام امور آن مرز و بوم گردید. اتفاقاً در تبریز بشدت تمام ناخوش و چند ماه بستری شد، در این بین بدتر از حکایت محمره مقدمه قتل و غارت کر بلائی معلى بدست حاجی نانجیب پاشا (مقصود نجیب پاشا است) والی بغداد بآن طرزها که به احدى در این عصر پوشیده نیست اتفاق افتاد. این معنی در مزاج مرحوم حاجی به تمجیل فرستادن و کیل این دولت افزود.

میرزا تقی خان مرحوم را معجلاً در عوض فدوی روانه ارزنة الروم ساخت. و کلای اربعه مدت چهار سال در ارزنة الروم به گفتگو و قرار کار امتداد و استمرار دادند. میرزا تقی خان مرحوم بعلمت بی اسبابی و عدم استحضار از اراضی سرحدیه ملکیت محمره و سایر مطالب حقه این دولت را نتوانست در آن مجالس

ثابت نماید و از عهده الزام مدعی بطور شایسته برآید، بعد از آن همه طول زمان قرارنامه معینه را که اکنون مدار رفتار دولتین اسلام و استناد هر يك بر اوست مشتمل بر نه فقره نوشته بخلاف معروف و معمول دو فقره آنرا به قرار سرحد منحصر و مخصوص داشتند بدتر از همه این است که حضرات در باب محمره عرض برای ابهام اینکه آنجا ملك عثمانیه بوده و اکنون بدولت ایران واگذار میشود اجمالاً نوشتند که دولت عثمانیه محمره و لنگرگاه حفار و جزیره الخضیر را ملکیتاً بدولت ایران واگذار نماید .

میرزا تقی خان مرحوم هم بقصد باطنی آنها پی نبرد همین الفاظ را قبول و قرارنامه را ممضی و مقبول داشته از ارزنة الروم متفرق شدند بمجرد رسیدن قرارنامه و کلاً بدست حاجی مرحوم بجهت پرده کشی بضررهای این دولت و اختفای خطبهای خود در مجالس متعدد شروع به رجز خوانی و خودنمایی نمود که بقدرده کرور ملك از دولت عثمانیه گرفتم و احکام توالیه خاور و به سرحد منشر کرد که در محمره قلعه محکم بنا و راه مکه معظمه را از طرف نجد و جبل و نمایند و در عرض راه کاروانسرا در باطات بسازند و ساخلو بگذارند دو سال امیر حجاج معتبر از طرف ایران مأمور شده حجاج را با آن راه به مکه معظمه رساند و مولی فرج الله را بواسطه این مقوله تعهدات از دار الخلافه مرخص و والی عربستان نمود .

وقتی این خیالات واهی بگوش دولت عثمانیه رسید خیال کردند که تخیل اینها وقوع بهم رسانیده و مایه دردسر و موجب شورو شورش شود. لهذا در مبادله تصدیق نامه های قرارنامه تأمل کردند، آن اوقات میرزا محمد علی خسان از سفارت پاریس به اسلامبول مراجعت کرده تصدیق نامه این دولت را پیش او فرستاده بودند که رسماً مبادله کند با جواب صریح دادند که (الفاظ قرارنامه در بعضی موارد مبهم و گنگ است در این باب استیضاحی از سفرای واسطه نموده و ایشان ایضاحاتی بر آن فقرات نوشته اند اگر شما این ایضاحات را که متعلق به چهار فقره است قبول میکنید و سندی دهید تصدیق نامه دولتین را مبادله می کنیم و الافلا) میرزا محمد علی خان جواب داد که من باین کارها

(۱۳)

مأموریت ندارم ، نمیتوانم در این باب سند بدهم بدون اذن دولت نوشته من چه اعتبار خواهد داشت. مفید نیافتاده باز رجال عثمانیه سفرای واسطه را تحریک کردند. ایشان به آن مرحوم گفتند که راضی گردن میرزا احاجی آقاسی بدمه ما ، چهار هزار تومان رشوه باسم جایزه سلطانی باو داده باصرار و ابرام نوشته را موافق دلخواه دولت عثمانیه از میرزا محمد علیخان گرفتند. اگر چه سواد نوشته مشارالیه بدست نیامده و لکن مواد استیضاح دولت عثمانیه و ایضاحات سفرای واسطه موافق قلمداد میرزا محمد علیخان بدین قرار است :

سؤال اول رجال عثمانی

دولت عثمانی بموجب شرط فقره قرار نامه تصور می کند که ترك کردن شهر و بندر و لنگر گاه و همچنین جزیره الخضر بایران باین ترتیب نمیتواند احاطه کند نه اراضی دولت عثمانی را که بیرون از شهر محمره است نه سایر بنادر دولت عثمانی را که واقع است در آنجاها .

جواب سفرای متوسطین

مأمورین دولتین واسطه می گویند که لنگر گاه محمره در محلی است که واقع شده است در محاذی شهر داخل در مرداب خفارا لهذا امراتب ممکن نیست نتیجه معنی دیگر بدهد. مأمورین واسطه علاوه بر آن قبول میکنند رأی رجال دولت عثمانی را که واگذار کردن بایران محلی را که در آن سؤال کرده بودند شهر و بندر و لنگر گاه محمره و جزیره الخضر است و با باعالی ترك نکرده است در این محل نه زمین دیگر و نه بندر دیگر که در آنجا واقع شده باشد .

سؤال دوم

دولت عثمانی سؤال می کنند از شرح باقی آن فصل که در باب عشایر حقیقی تبعه دولت ایران که آنها میتوانند سکنی داشته باشند نصف آنها در خاک ایران باشند نصف آنها در خاک عثمانی ، در این حالت می تواند ایران آن خاک عثمانی را متصرف شود و بآنها تعلق یابد و چندی نگذرد دولت ایران آن زمین عثمانی را متصرف شود.

جواب سفرای متوسطین

مأمورین دولت ایران بهیچ بهانه نمیتواند بدست بیاورد مملکتی را که

در سمت یمین شطالعرب است نه زمینی را که در سمت یسار است و متعلق بدولت عثمانی است. اگر چه عشایر ایران نصف یا همه در طرف دست راست یسار ارضی دست چپ که تعلق به عثمانی دارد سکنی کرده باشند.

سؤال سوم

دولت عثمانی در باب فقره اول و چهارم سؤال میکند اگر دولت ایران مطالبات خسارت دولتی را می‌تواند در میان مطالبات شخصی مطالبه دولتی کند در حالیکه ترك کرده است و نیز دولت عثمانی تصور می‌کند که این ادعا نباید داخل بکند مگر منتهی حق عادیه بیلاقیه و بعضی خسارات که فیما بین تبعه دولتین ایران و عثمانی رسیده مثلاً سارقین طرفین یا خود چیزی مثل این .

جواب سفرای متوسطین

معنی محقق اول و چهارم عهدنامه که دولت ایران می‌تواند در این باب ادعا کند و هر طریقهای که باشد ترك می‌شود و البته باید ترك شود بناء علیه هیچکس نمی‌تواند در این باب حرفی بزند طلب اشخاص طرفین میتواند آن اشخاص را راضی بدارد تشخیص صحیح این مطالبه نشان خواهد داد همچنانکه قبول شده است مأمورین بخصوصه که تعیین خواهد شد خلاصه چیزی که ملاحظه شده است در باب طلب اشخاص می‌تواند آن مأمور طی نماید.

سؤال چهارم

دولت عثمانی سؤال میکند اگر دولت ایران گفتگوئی که در باب قلعه شده است قبول کرده است که علاوه شود بفقره دویم و همچنین فقره ای که از فصل هفتم که در مواد و کلای طرفین نوشته شده بود.

جواب سفرای متوسطین

مأمورین اعتقاد دارند می‌توانند جواب بدهند که دولت علیه ایران قبول کرده است همراه خوشوقتی که علاوه کنند در فقره هفتم در باب مقابله داشتن امتیازات که در باب حجاج و تجار نوشته شده است قونسولها و در باب سؤال قلعه مأمورین مایل هستند که بمأمورین واسطه تأکید نمایند که اجرای خواهش دولت عثمانی را نمایند بخصوص این مطلب و امیدوارند که بهره یاب شوند. انتهى.

چون این ایضاحات بحقیقت تغییرات و راجع به قرارنامه آخری دولتین علیتین اسلام است و ثبت مواد قرارنامه مزبور در تلو همین فقرات موجب مزید بصیرت و کاشف معایب ایضاحات مزبوره و عدم استنباط آنگونه معانی مخترعه از الفاظ قرارنامه است لهذا مواد قرارنامه مزبوره نیز قلمی و مندرج می شود. سواد قرارنامه آخره دولتین ایران و عثمانی که در بلده ارزتة الروم بتاریخ نهم جمادی الثانیه ۱۲۶۳ منعقد شده است (چون در صفحات قبل این عهدنامه درج شد لذا احتیاجی به تکرار نیست).

بالجمله پس از آنکه شاه جنت آرامگاه مغفور از دارفنا به داربقاوبیت السرور رحلت نمود تاج و تخت کیانی بالارث والاستحقاق بفر وجود مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی صان‌الاله شوکه مفتخر و مباهی گردید دولت فرصت جو وابن الوقت عثمانیه بخیال اینکه ایام فترت و اول سلطنت و طغیان سالار نارستگار در سمت خراسان مایه مشغولیت دولت است بمحض استماع خبر جلوس ابد مانوس همایون صورتاً مباشرت به تعیین و کلای تحدید حدود کرده و کیل خوددولتین واسطین را در بحبویه زمستان روانه سرحد نمودند و باطناً به درویش پاشا و کیل خودشان دستورالعمل دادند که از راه وان رفته بلاک قطور را که از جمله توابع خوی و موافق رموز و نکات لشکر کشی محکمه و در بندی است که شایسته کمال اعتنا و مفتاح سایر جاهاست بدون سند و دلیل و بخلاف نص صریح قرارنامه بلکه بخلاف عهدنامه سلطان مرادی نیز ضبط و از تصرف مأموران این دولت منترع نماید او در عین شدت برف و بارش با وجود حرکت و توجه و کلای تحدید حدود بسمت سرحدات تنها خود با جمعی از عسا کر عثمانیه وارد بلوک قطور شده اهالی آنجا را تطمیع و تهدید نموده بدون غایله و ممانعت اهل این طرف بلوک مزبور را تصرف و در دهنه شرقی دره مذکوره که مشرف به جلگه شهر خوی است مناری بعنوان علامت خط سرحد بنا و برپا کرده معهداً فدوی که از طرف دولت علیه بعنوان وکالت مأمور تحدید حدود بود حسب الامر اولیای دولت علیه در فصل کذائی روانه سرحد شده پیش از همه مأمورین به بغداد که محل اجتماع

ایشان بود رسید و سایر و کلاء نیز چندی پس از فدوی و درویش پاشا و کیل عثمانیه بعد از همگی وارد آنجا گشتند و در آنجا مجلس اول بجهت تمهید مقدمه کار منعقد و مقرر گردید که برای محافظت جان و مال مأمورین اربعه از اعراب و سایر قطاع الطریق چهارصد نفر نظام و دوست نفر سوار از طرف دولت عثمانیه و نظیر آن از طرف دولت علیه از مبداء سرحداتنا مقطع همراه و کلاء بوده بدین واسطه هر طرف در خاک خود به محافظت ایشان مواظبت نماید .

اگرچه میرزا تقی خان مرحوم حرکت فدوی را از بغداد در بادی امر به رد بلوک قطور منوط و شروع به تقدیم لوازم مأموریت را به تخلیه آنجا مربوط نمود و بدین علت اقامت و کلاء در بغداد هشت-نه ماه امتداد یافت و لکن چون سفرای واسطه مقیم دارالخلافه مکرر با نوشته تعهد کردند که پس از ورود مأمورین بآنجا این امر موافق حق و قرارنامه صورت خواهد گرفت لهذا فدوی حسب الامر در اوایل زمستان به همراهی رفقای خود با راه دجله و شط العرب وارد محمره گردید ، اعراب و تمامی اهل آنجا در روز ورود بشدتی اظهار شغف و اهتزاز و پیشواز کردند که درویش پاشا مأمور عثمانی با جمعیت خود مخوف شده تا سه چهار شب از راه بدخیالی و سوءظن خواب نکرد و وقتی که فدوی بساین کیفیت منتقل شد جمعیت اعراب را مرخص نمود و بنای مجلس مکالمه را گذاشت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

متن « رساله تحقیقات سرحدیه »



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو مشكاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی